

از : مهندس جواد تبریزی

اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۳)



ابوالفتح زاده در اعترافات خود
چنین میگوید :



« پس از اینکه کار کریم دوانگر
خاتمه یافت کمیته مجازات سه جلسه با حضور
بهادر السلطنه تشکیل داد ولی بعداً چون

اخلاق او با برخی از اعضای کمیته وفق نمیداد
از او خواش کردیم که بعداً در جلسات کمیته
شرکت نکند و اگر مقصود او خدمت است
میتواند نجات خود را خارج از کمیته نیز
انجام دهد. »



« ... پس از اینکه بهادر السلطنه دفع شد
من بمنوان رابط کمیته و هیئت اجرائی
انتخاب شدم ولی چون رشید السلطان - سید -
من ترضی - و عهد الحسین ساعت ساز در نظمی
گرفتار شده بودند لذا بهم رفی عماد الکتاب
افراد دیگری بنامهای امیر زاعلی زنجانی
و حاج بابا اردبیلی به من (ابوالفتح زاده)
معرفی شدند من پول و اسلحه به آنان دادم و

اسدالله ابوالفتح زاده

مجله وحید (خاطرات)

از طرف کمیته محکوم شده بود...
 مشکوة الممالک ضمن اعترافات خود
 در باره قتل کریم دواتگر چنین میگوید:



محمد نظر خان مشکوة الممالک

(... پس از اینکه کریم دواتگر
 بخیال جاب منفعت واخذ نفوذ باما ضدیت
 نمود عمادالکتاب و ارداقی را به حکمیت
 انتخاب کردیم و خودشان پس از رسیدگی
 اظهار نمودند که چاره‌ای جز برداشتن کریم
 وجود ندارد و اعدام کریم در هیئت پنجنفری
 کمیته مجازات بتصویب رسید...)

عمادالکتاب در قسمتی از اعترافات
 و اقرار خود میگوید:

(... اغلب کریم دواتگر جسته و
 گریخته میگفت که با اشخاص عالی رتبه
 طرح دوستی و الفت ریخته و دیگر خود را
 محتاج کمیته نمی بیند ، بهمین جهت توسط
 سردار منصور پیشکار سپهسالار خود را به

و پس از مدتی چون دیدیم اینها آدمهای مهملی
 هستند و کاری از دستشان ساخته نیست اسلحه‌ها
 را باز پس گرفتیم و چون شنیده بودم اکبر خان
 پسر ناصر خلوت بتازگی از فرونت بازگشته
 و جوان معقول و با مسلکی است او را ملاقات
 کرده و از عقیده و مسلک او سئوالاتی کردم
 و چون او را با خود هم عقیده یافتیم باو تکلیف
 کردم که ریاست هیئت اجرائی کمیته را
 بعهده بگیرد و او هم با کمال میل پیشنهاد را
 پذیرفت و هر کس وارد هیئت اجرائی میشد
 بمیل و اراده خودش بود و من (ابوالفتح زاده)
 هیچگاه تکلیف نمی کردم که قطعاً فلان شخص
 اعدام شود...»

نحوه کار هیئت اجرائی کمیته

«... معمولاً انجمن‌های سری صورت
 اسامی کسانی را که افکار عمومی آنان را
 خائن بوطن میدانست منتشر میکرد و من
 این صورت‌ها را به هیئت اجرائی میدادم
 و میگفتم شما هم رسیدگی کنید اگر خودتان
 در این موارد با کمیته مجازات هم عقیده
 هستید کار آنها را تمام کنید و یا اگر کسی
 را مستحق اعدام نمیدانید بمامم بگوئید تا
 مامم از تصمیم خود صرف نظر کنیم . هیئت
 اجرائیه بدین ترتیب دنبال چند نفر را میگرفت
 بهر کس زودتر دسترسی پیدا میکرد کارش را
 یکسره میکرد و الا پس از چندی دنبال
 دیگری میرفت و ما هم نمیدانستیم هیئت
 اجرائی چه کسی را تعقیب میکند تا اینکه
 نتیجه کارش معلوم می شد...»

«... و متین السلطنه یکی از کسانی
 بود که نامش به هیئت اجرائی داده شده و

عدل‌الملك دادگر نزدیک نموده و مربوط میشود و بهمین سبب کمیته مجازات از رفتار کریم دواتگر بسته آمده تصمیم گرفتند او را از میان بردارند و انجام این کار را ابو الفتح - زاده بعده گرفت ...

عمادالکتاب در اعترافاتش چنین اضافه میکند :

داعضای اولیه (سه نفر) کمیته مجازات اغلب اوقات دور از نظر ، و بطور پنهانی جلسات کمیته را تشکیل و تصمیماتی بدون اطلاع مادونفر (میرزا علی اکبر ارداقی - عمادالکتاب) اتخاذ می کردند چنانچه یکبار شنیدیم ابو الفتح زاده در نجرش نزد سپهسالار رفته و نامه ای از طرف کمیته مجازات بوی تسلیم نمود و مذاکراتی نموده است ...

(... علاوه بر این بهادر السلطنه وسیله نصیر السلطنه مبلغ سیصد تومان از تیمورتاش (سردار معظم) اخذ و ضمن نامه ای که تیمورتاش به کمیته مجازات نوشته خدمات سابق خود را شرح داده تقاضا کرده بود اجازه داده شود از کشور خارج شود ولی کمیته مجازات وجه مذکور را وسیله ابو الفتح زاده مسترد داشته بود ...)

عمادالکتاب در دنباله اعترافات خود در باره نحوه ورود خود به کمیته مجازات چنین میگوید :

... روزی کریم دواتگر که تازه از جبهه جنگ مراجعت کرده بود باتفاق عبدالحسین ساعت ساز بدیدنم آمد و گفت کمیته ای بنام کمیته مجازات تشکیل داده ایم و آمده ام شما را هم دعوت کنم

و هر چه اصرار کردم اسامی اعضای کمیته را بگویند موفق نشدم بهتر از فحوای کلام کریم استنباط کردم که قصد دارد قائم مقام الملك رفیع را از میان بردارد ، شبی بسراغ کریم رفیق او را در خانه اش مست و لایعقل یافتیم و با عبدالحسین ساعت ساز مشغول شراب خوردن بودند و احساس کردم پشت پرده اشخاص دیگری هم حضور دارند که مطالب و گفتگوهای ما را استماع می کنند ولی از هویت آنان اطلاع نیافتم در باره قتل میرزا اسماعیل خان رئیس انبار غله از او سؤال کردم و او اعتراف کرد که این کار ما بوده است و حالا خوبست شما (عماد) هم وارد کمیته بشوید و من جواب قطعی را بیعده موکول کردم تا اینکه کار اختلاف کریم و کمیته به آنجا کشیده شد که پا در میانی من موجب ورودم به کمیته مجازات گردید ... در یکی از جلسات کمیته مجازات ، میرزا علی اکبر ارداقی که هنوز بکار کمیته مجازات اعتماد کامل نداشت عمداً اسامی سه تن از برجسته ترین مسؤولان کشوری از قبیل سپهسالار و شماع السلطنه و وثوق الدوله را پیشنهاد می کند و اعضای کمیته باتفاق آراء با پیشنهاد ارداقی مخالفت و میگویند که در حال حاضر که عده ای از رفقای ما دستگیر و زندانی می باشند قوه ما تا آن درجه نیست که بتوانیم چنین شخصیت‌هایی را از میان برداریم اقدام در مورد این سه نفر علاوه از اینکه از حیث قدرت ما خارج است احتمال زیاد دارد که باعث گرفتاری ما هم بشود .

منشی زاده نام چند تن را روی کاغدهائی بصورت قرعه مینویسد و ابوالفتح زاده قرعه کشی کرده و مشکوة قرائت میکند . قرعه اول و دوم سفید (پوچ) و قرعه سوم بنام قوام الدوله و قرعه چهارم بنام متین السلطنه اصابت مینماید .

دروازا آخرین جلسه کمیته مجازات گذشت و از ابوالفتح زاده رئیس اجرائی خبری نشد و اعضای کمیته مجازات در بلا تکلیفی بسر می بردند . تا اینکه روزی میرزا علی اکبر ارداقی و عمادالکتاب از خیابان لاله زار عبور میکردند که بفته صدای شلیک چند تیر بگوش رسید که بعداً معلوم شد متین السلطنه مدیر روزنامه عصر جدید بضر چند گلوله از پای درآمده و ارداقی از عماد می پرسد آیا قتل متین السلطنه مدیر روزنامه بوده است ؟

غروب و روز دیگر پنج تن اعضای کمیته مجازات در منزل مشکوة الممالک جلسه خود را تشکیل و ابوالفتح زاده گزارش میدهد :

«... من از تأخیر مأموریتی که در مورد قتل قوام الدوله بعهده داشتم سخت ناراحت و موفق نمیشدم مقصودم را به مرحله اجراء آورم لیکن هر وقت بسراغ او میرفتم زودتر از منزل خارج شده بود و اگر حوالی غروب هم به حدود منزل وی میرفتم زودتر بیخانه رفته بود و گویا خدا نمیخواست گرفتار مجازات شود و برای اینکه انجام مأموریت هیئت اجرائی بیش از این بعهده تعویق نیفتد و رفقا مأیوس و دل سرد نشوند

و حرارت اولیه را از دست ندهند و کمیته هم اقدام خود را به منصه ظهور برساند و از طرفی اسم متین السلطنه در زمره کسانی بود که کمیته مجازات او را تشخیص داده بود لذا بنظرم رسید بجای قوام الدوله هر چه زودتر تکلیف متین السلطنه را بکسر کنیم . بدین جهت بر فقا گفتم از طرف کمیته مجازات حکم دیگری صادر و ابلاغ گردیده که کار متین السلطنه را جلو بیاوریم ، سپس باتفاق اکبرخان فرزند ناصر خلوت و چند تن دیگر به سراغ متین السلطنه در دفتر روزنامه عصر جدید رفته و خود بانظار حصول نتیجه کار منتظر ماندیم تا کار متین السلطنه خاتمه یافت...»
توضیح : (قوام الدوله هیچگونه نسبت یا قرابت سببی با مرحوم قوام الدوله پدر مرحوم ابوالقاسم و غلامحسین فروهر ندارد)
شرح حال متین السلطنه مدیر روزنامه عصر جدید



عبدالحمید خان ثقفی متین السلطنه

عبدالحمید ثقفی ملقب به متین السلطنه مدتی نایب رئیس مجلس شورایی ملی و از مشهورین بوکالت انتخاب گردید و علاوه از روزنامه های طلوع و مظفری سه سال آخر عمر خود را با اداره روزنامه عصر جدید گذرانید - وی تحصیلات مقدماتی خود را در دارالفنون با تمام رسانید و زبان انگلیسی را مدرسه آمریکائی ها آموخت و سپس رهسپار پاریس و لندن گردید و پس از ختم تحصیلات خود مدتی در سفارت ایران در استانبول بکار منشیگری و ترجمه مشغول گردید .

متین السلطنه بدو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشت و عربی و ترکی را تا اندازه ای آموخته بود و در علوم حقوقی - سیاسی - مالی نیز کار کرده و از دانشگاه اکسفورد فارغ التحصیل شده بود .

وی در سن ۳۹ سالگی در حالیکه از وی سه فرزند برجای مانده بود بقتل رسید و در قبرستان ابن بابویه بخاک سپرده شد .

در تحقیقاتیکه میرزا باقر خان پدر از سه نفر عامین قتل میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله میکند آنها (رشید السلطان - عبدالحسین ساعت ساز سید مرتضی) بقتل وی اعتراف ولی اطلاعاتی در باره سران کمیته مجازات نمیدهند و بدین ترتیب برای نظمی معلوم نمیشود که سران کمیته مجازات راجه کسانی تشکیل میدهند .

گزارش قتل

متین السلطنه

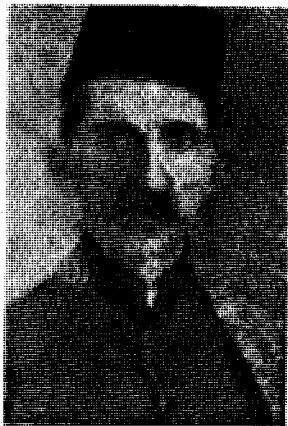
گزارش کمیساریای (کلانتری) ناحیه ۳ حسن آباد در مورد نحوه قتل متین السلطنه مدیر

روزنامه عصر جدید بدین شرح نقل می شود:

... شخص ناشناسی که خود را در عیال پیچیده بود در محل دفتر روزنامه عصر جدید حاضر شده اظهار میدارد کاغذی بنام متین السلطنه دارد. مستخدمین روزنامه از ورود این شخص بنا بدستوریکه داشتند مخالفت و مشاجره لفظی بین ناشناس و مستخدمین روزنامه آغاز میشود. در این هنگام هادیخان منشی روزنامه وارد شده می بیند شخص ناشناسی بانو کرایهای متین السلطنه درگفت و شنود و مجادله است برای فیصله دادن به این گفتگو ها نامه را از ناشناس میگیرد و قول میدهد آن را به متین السلطنه برساند ، در ضمن ناشناس جلوی پلکان بانتظار می ایستد در لحظاتییکه سردبیر مشغول قرائت نامه بود ناشناس از غفلت مستخدمین استفاده کرده پله ها را پشت سر گذارده وارد اطاق متین - السلطنه میشود و هادیخان منشی روزنامه غفله صدای تیری را میشنود و هماندم می بیند متین روی زمین افتاده و در خون خود مینماید . هادیخان از ترس جان خود کف اطاق میخزد و از آنجا خارج میشود . قاتل پس از اجرای نقشه خود از اطاق مدیر روزنامه خارج و در روی پلکان بایکی از مستخدمین بنام مصطفی گلاویز میشود سرانجام سید مصطفی موفق میشود قاتل را بزمین بزند ولی قاتل خود را از چنگک وی می رهاند و در کوچه پسر بچه ۱۴ ساله ای او را تعقیب میکند و قاتل گلوله بطرف وی رها کرده و از انظار دور میشود .

شعله ور خواهد ساخت که در مقام انتقامجو می بر آید و بنا بر این بایدطوری عمل شود که نسبت به کمیته سوءظن بیدانکنند .

بهادر السلطنه



از این رو به بهادر السلطنه گفته میشود که فعلا کمیته مجازات اقدامات خود را دنبال نخواهد کرد و شما اگر مایل به انجام خدماتی باشید میتواند عملیات خود را خارج از کمیته انجام دهید و بدین ترتیب کمیته مجازات بهادر السلطنه را از خود دفع میکند و انجام این کار بعده منشی زاده و اگذارو بدون اطلاع بهادر السلطنه با کمک و دستگیری اکبر خان بسر ناصر خلوت مبادرت بقتل متین السلطنه مینمایند پس از اینکه اشکال کار کمیته مجازات از لحاظ بهادر السلطنه نیز مرتفع گردید قرار شد بیان نامه ای بقلم میرزا علی اکبر ارداقی تهیه و با خط زیبای عمادالکتاب تحریر و با چاپ ژلاتینی تکثیر و بتعداد کافی برای رجال، سفارتخانه ها و نظمیہ و تأمینات فرستاده شود.

محمدعلیخان آژان (گرکانی) از جمله کسانی بود که به معرفی حسین خان الله که بعداً شرح احوال او ذکر خواهد شد ما مور بوده بیان نامه های کمیته مجازات را بصندوق پست بیندازد تا جلب توجه سوءظن اشخاص را نکند. (ادامه دارد)

یس از وقوع این قتل و فرار حیرت انگیز قاتل - پلیس به تحقیقات دقیقی پرداخت ولی موفق بدستیگری قاتل نمیشود ...»
کمیته پس از استماع گزارش ابوالفتح زاده مقرر میدارد اولین بیان نامه خود را در مورد قتل میرزا اسمعیل خان و متین السلطنه منتشر نماید.

میرزا علی اکبر ارداقی میگوید :
«انتشار این بیان نامه بمراتب از قتل میرزا اسمعیل خان بیشتر تولید وحشت و اضطراب خواهد کرد مشروط باینکه نیت خیر خواهانه و وطن پرستانه هیچگاه آلوده اغراض خصوصی و مطامع شخصی نشود و بعداً هم در جریان کارها طوری قدم برداریم که کمترین اشتباه یا غفلی مرتکب نشویم و چنانچه این نکات را مراعات کنیم خواهیم توانست قسمتی از خرابی ها را ترمیم و از خیانت افراد جلو گیری کنیم و چون من و عمادالکتاب افراد گمنامی هستیم و سه نفر دیگر مروف به بهائی بودن میباشد لذا این خود موجب خواهد شد که کسی درباره ما پنجنفر سوءظن پیدا نکند.»

میرزا علی اکبر ارداقی دردنیاله اظهارات خود اضافه میکند:

اخراج بهادر السلطنه از کمیته مجازات

«چون بهادر السلطنه قابل اعتماد نبوده و چند جلسه شرکت نموده است باید اشتباه کمیته بنحوی جبران گردد در غیر اینصورت تمام زحمات ما بهدر خواهد رفت و اسرار کمیته مجازات فاش خواهد شد . از طرفی اخراج بهادر السلطنه از کمیته آتش کینه در او